

بررسی جامعه‌شناختی چالشهای اجتماع علمی دانشگاه

قربانعلی ابراهیمی^{۱*} و عباس بهنوئی گنده^۲

چکیده

هدف این پژوهش بررسی چالشهای درونی و بیرونی جوامع علمی در دانشگاه مازندران بود. در این پژوهش از روش پیمایشی و پرسشنامه برای گردآوری داده‌ها استفاده شد. با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب، ۲۸۰ نفر از اعضای هیئت علمی و دانشجویان کارشناسی ارشد از میان جامعه‌ای ۱۰۹۵ نفری به‌طور تصادفی نمونه‌گیری شدند. نتایج تحقیق مبین آن است که: ۱. میان نگرش استادان و دانشجویان در خصوص چالشهای بیرون از حوزه نظام دانشگاهی تفاوت معناداری وجود ندارد. ۲. میان نگرش استادان و دانشجویان در خصوص چالشهای درون دانشگاهی تفاوت معناداری وجود دارد. ۳. میان چالشهای درون دانشگاهی و بیرون دانشگاهی جوامع علمی همبستگی معناداری وجود دارد. افزون بر این، نتایج حاکی از پیوستگی و ارتباط مسائل موجود در اجتماعات علمی و نظام اجتماعی جامعه است.

کلید واژگان: جامعه‌شناسی علم، اجتماع علمی، چالشهای اجتماع علمی، دانشگاه مازندران.

مقدمه

برخی از نویسندگان و پژوهشگران تولید نشدن علم و نیز اثربخشی پایین اجتماعات علمی را با رویکردهای نرم‌افزاری و سخت‌افزاری توضیح می‌دهند. در مقابل، برخی نظریه‌پردازان نیز از قبیل ولگار^۳ پایین بودن میزان اثربخشی فعالیت‌های علمی و همچنین، وجود نداشتن روحیه تولید علم را به کمک گویه‌هایی همچون تعاون و همکاری علمی و پژوهشی (اجماع پژوهشی) سر لوجه کار خود قرار داده‌اند (Ghaneie Rad, 2006: 32). زیرا تعاون و همکاری در صورتهای مختلف، اعم از فعالیتهای عادی علمی تا بحثهای پژوهشی و فکری، نقش اساسی را ایفا می‌کنند. علی‌رغم تفاوت دیدگاهها در ارائه راهکارها و شیوه‌های گوناگون، مشاهده می‌شود که آثار و نوشته‌های متفکران امروزی

۱. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

* مسئول مکاتبات: ghorbanaliebrahimi@gmail.com

۲. کارشناس ارشد رشته جامعه‌شناسی، مدرس دانشگاه پیام نور یزد، یزد، ایران: abbas.behnoei@gmail.com

پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۱۲/۱۶

دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۴/۱

بیشتر در باره وجود داشتن روحیه همگرایی و همفکری میان دانشمندان و پژوهشگران برای بهتر و زودتر به ثمر رسیدن فعالیت‌های علمی است؛ به‌گونه‌ای که هر صاحب‌نظری سعی می‌کند از منظری خاص به نقشی که این اجتماعات می‌توانند در زمینه توسعه علم ایفا کنند، بپردازد. در این خصوص، گارفیلد^۴ می‌نویسد «ارتباط و کنش متقابل جوهر ارتقای علمی است و پژوهش نوع خاصی از تجربه اجتماعی است که بر اساس فعالیت جمعی پیشرفت می‌کند» (Dickinson, 1994). کوهن^۵ نیز از وابستگی معرفت علمی به اجتماع علمی سخن به میان آورده است و برای بیان کلی معرفت علمی از مفهوم الگو یا پارادایم استفاده می‌کند. با این حال، اجتماعات علمی و به‌ویژه نظام دانشگاهی همواره ممکن است نتوانند چنان‌که از آنها انتظار می‌رود کارکردهایی را، که سبب تأسیس آنها شده است، داشته باشند؛ به‌گونه‌ای که فاصله گرفتن دانشگاه از رسالتش آن را با چالش‌های متعددی روبه‌رو ساخته است و همین عوامل سبب سرخوردگی شدید کارگزاران آن به‌ویژه دانشجویان شده است (Ghaneie Rad, 2006).

از این رو، وجود چالش‌های عمیق در اجتماعات علمی بیانگر جدی بودن این مسئله در نظام دانشگاهی و توسعه نیافتگی کشورهای در حال توسعه در دنیای امروز است. وجود داشتن ضعف و چالش در محیط‌های علمی دانشگاهی خواه ناخواه از محیط‌های اجتماعی بیرون از دانشگاه نیز تأثیرپذیر خواهد بود؛ به‌عبارت دیگر، اجتماعات علمی دانشگاهی علاوه بر اینکه با یک سری از ضعفها و مشکلات در داخل دانشگاه روبه‌رو هستند، با ضعفها و مشکلاتی نیز در محیط‌های بیرون از دانشگاه مواجه‌اند. از آنجا که چالش‌های درون دانشگاهی و بیرون دانشگاهی فضای علمی را در جامعه ایران احاطه کرده‌اند، بررسی این موضوع می‌تواند تصویری از این وضعیت مبهم را پیش روی صاحبان اندیشه و برنامه‌ریزان حوزه علم قرار دهد. هر چند ضعفها و چالش‌های اساسی در اغلب رشته‌های آموزشی نظام دانشگاهی ایران دیده می‌شود (Azizi, 2008)، بعضی از چالشها از قبیل چالش‌های علمی، پژوهشی، آموزشی و نبود تعامل بین اعضای گروه‌های علمی و آموزشی نمود بیشتری نسبت به چالش‌های سازمانی و رقابت کمی گرایانه در دانشگاهها دارند. از این رو، بعضی از چالشها و ضعفها در محیط‌های علمی دانشگاهی به ایجاد و گسترش برخی مشکلات دیگر دامن می‌زند، به‌گونه‌ای که این فرایند، دیر یا زود، اساسی‌ترین کارکردهای آموزش عالی را با چالش‌های عمیق‌تری مواجه خواهد ساخت؛ در حال حاضر نیز می‌توان برخی از پیامدهای این وضعیت را ردیابی کرد، به‌طوری که ورود به دانشگاه، که باید با تعمیق فرهنگ علمی در بین دانشجویان همراه باشد، برخی یافته‌ها، برخلاف انتظار، نشان می‌دهد که دانشجویان پس از ورود به دانشگاه بیشتر از نظر ارزشها، باورها و رفتارهای مربوط به عرصه‌های خانواده، سیاست و دین تغییر پیدا

می‌کنند تا عرصه علم. برای نمونه، در حال حاضر شیوه‌ها و الگوهای تعاملاتی و مشارکتی در دانشگاهها با کارکردهای اصلی آن همخوانی ندارد (Ghaneie Rad, 2006).

با در نظر گرفتن اینکه خرده نظامهای اجتماعی در یک جامعه از هم منفک نیستند، به نظر فورنیر و ماهو ضعفها و نارساییهای موجود در قلمرو اجتماعات علمی با ضعفها و نارساییهای موجود در دیگر خرده نظامهای اجتماعی پیوند انکارناپذیری دارند (Tavakol, 1990) و در مجموع یک چرخه معیوب را تشکیل می‌دهند. از این رو، در مقاله حاضر چالشهای درون دانشگاهی و برون دانشگاهی در دانشگاه مازندران بررسی شده است.

با وجود اهمیت این موضوع و با بررسی مطالعات صورت گرفته در حوزه اجتماع علمی، کمتر تحقیقی با عنوان پژوهش حاضر صورت گرفته است. حال با در نظر گرفتن فرایند موجود در دانشگاهها این سؤال اساسی مطرح می‌شود که در بین چالشهای درون دانشگاهی و برون دانشگاهی کدام یک بیشتر به عنوان یک مسئله از نظر پاسخگویان شمرده می‌شوند. همچنین، با در نظر گرفتن پیوستگی بین خرده نظامهای یک جامعه آیا بین چالشهای درون دانشگاهی و برون دانشگاهی رابطه وجود دارد؟

هدف اصلی این پژوهش توصیف و تبیین چالشهای درون و برون دانشگاهی است. علاوه بر هدف کلی، مجموعه‌ای از اهداف فرعی زیر نیز مورد توجه بوده است:

۱. توصیف متغیرهای مرتبط با چالشهای درون و برون دانشگاهی با تأکید بر نمونه آماری اسنادان و دانشجویان کارشناسی ارشد؛

۲. ارزیابی چالشهای درونی و برونی دانشگاه از دید اسنادان و دانشجویان کارشناسی ارشد؛

۳. بررسی ابعاد چالشهای درونی و برونی دانشگاه از دید دانشجویان و اسنادان دانشگاه مازندران.

با نگاهی گذرا به نتایج تحقیقاتی که در حوزه جامعه‌شناسی علم صورت گرفته است، می‌توان گفت که رویکرد فردگرایانه که در آن بر رقابت بین فردی تأکید می‌شود، بر اجتماع علمی ایران حکمفرماست (Azizy, 2008; Ghaneie Rad, 2008; Khosrokhavar, 2006; Rafipoor, 2009; Ebrahimi, 2002; Azad Armaki, 2008). تحقیق را با توجه به ذوق و سلیقه شخصی خود دنبال می‌کنند و نه بر اساس پیوستگی فکری و کاری. بدینسان همین رویکردها باعث می‌شوند تا بین گروههای علمی فعالیت علمی و مباحثه‌ای که همیشه در محیطهای علمی از آن سخن به میان می‌آید، صورت نگیرد. اینکه چرا اجتماعات علمی در کشور ایران ضعیف است، می‌تواند ناشی از عواملی از قبیل ضعف و نبود تعاملات علمی در بین اعضای اجتماع علمی باشد که خود می‌تواند متأثر از عدم جامعه‌پذیری مناسب تلقی شود، زیرا به نظر هاگستروم (Hagstrom, 1975) جامعه‌پذیری در تولید علم نقش بسزایی دارد، زیرا اعضا در فرایند جامعه‌پذیری به‌طور مؤثر یاد می‌گیرند که چگونه مناسبات بین فردی خود را حفظ و تقویت کنند. همچنین، نبود

تعاملات بین فردی اعضا می‌تواند به بیان کالینز (Collins, 2000) ناشی از نبود مراسم تعاملی باشد. از سوی دیگر، مطابق نظر بوزمن و همکاران^۶ و نیز بوزمن و راجرز^۷ نبود تعاملات اجتماعی می‌تواند ناشی از تمایل نداشتن به همکاری میان اعضا به دلیل وجود نداشتن روحیه همکاری محور در سلسله مراتب مختلف کارگزاران دانش باشد. بنابراین، یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار در حیطه تولید علم همراه با رشد سرمایه انسانی توسعه روحیه همکاری محور است (Ghaneie Rad, 2006). شواهد نشان می‌دهد که ما در اجتماع علمی شاهد تعاملات ضعیف میان کارگزاران علمی در بیشتر رشته‌های آموزشی و همچنین، پژوهشی هستیم. این تعاملات و همکاریهای ضعیف پژوهشی و علمی که می‌تواند تا حدودی ناشی از الگوهای آموزشی باشد، بیانگر آن است که در حال حاضر، شیوه‌ها و الگوهای تعاملاتی و مشارکتی در اجتماع علمی با کارکردهای اصلی آن که تولید علم باشد، همخوانی ندارد. همچنین، نتایج تحقیق سلیمانی و شکویی (Soleimani and Shokoey, 1999) نیز حاکی از چنین ضعفهایی در فضای دانشگاهی است. آنها بیان می‌دارند که کشور ما از نظر تولید علم، چه به لحاظ کمی و چه به لحاظ کیفی، با معیارهای جهانی فاصله زیادی دارد و سهم ما در این بین بسیار اندک است. به علاوه، پایین بودن کیفیت آموزشی در دانشگاهها نیز سبب شده است برخی از محققان (Esmaeil Bidhindi, 1998; Raeisi Jafarabadi, 1997; Hejazi, 1995; Parkariyan, 1999)، به دنبال بررسی عواملی باشند که کیفیت آموزشی را در دانشگاهها پایین آورده است. با وجود این معضلات و چالشها، می‌توان به چالشهای دیگری همچون ناتوانی دانشگاهها و مراکز آموزشی و پژوهشی در اجتماعی کردن و انتقال ارزشها و هنجارهای خویش به دانشجویان، استادان و پژوهشگران (Vidadhir, 1998)، کمبود فضای ارتباطی مناسب (Ghaneie Rad and Ghazipoor, 2002)، وضعیت نامطلوب نظام آموزش عالی ایران در مقایسه با کشورهای توسعه یافته و پایین بودن انگیزه دانشجویان در کسب دانش (Madhoshi and Nyazi, 2010; Ebrahimi, 1992)، گسست الگوهای فردی و جمعی تولید دانش و شکل نگرفتن اجتماعات علمی پایدار (Ghaneie Rad and Khosrokhavar, 2008)، گرایش پایین دانشجویان به علم‌گرایی (Mohseni Tabrizi, 2001; Ebrahimi, 1992)، وجود داشتن رفتارهای انحرافی در خوابگاههای دانشجویی (Masnavi et al., 2005)، کمبود سرمایه اجتماعی در فضای علمی دانشگاهها (Ghaneie Rad, 2006; Ebrahimi, 1992)، ظهور پدیده مدرک‌گرایی (Ramezani, 2002)، ضعف محتوای دروس متناسب با نیاز دانشجویان و شیوه نامناسب تدریس استادان (Arasteh et al., 2008)، پایین بودن بار آموزشی استادان دانشگاه (Salehi Omran and Ganavati, 2010)، ضابطه‌مند نبودن تولیدات علمی در کشور (Kazemi, 2008)، ناکارایی فرهنگ دانشگاهی در تربیت

6. Bozeman et al.

7. Bozeman and Rogers

نیروی انسانی دانشگاهی و متخصص (Fazeli, 2003). رواج رفتارهای بزهکارانه همچون مصرف مشروبات الکلی و دیگر مواد اعتیادآور در بین دانشجویان (Serajzadeh and Feizi, 2007). رواج کجرویهای فرهنگی در میان دانشجویان (Serajzadeh and Babaei, 2009; Serajzadeh and Javaheri, 2003). عضویت دانشجویان در جنبشهای دینی جدید (Jafari, 2007). گسست بین حوزه‌های علمی، تصادفی بودن پژوهشها (Khosrokhavar, 2006) و... اشاره کرد.

طبق تعریفهای صورت گرفته، رسالت دانشگاه (آموزش عالی) در جامعه ما تسهیل رشد و تکامل انسان، توسعه و غنای دانش و فرهنگ کشور و پرورش نیروی انسانی متخصص مورد نیاز جامعه است (Dabbagh and Baradaran Shoraca, 2009). با توجه به این امر که دانشگاه در جامعه ما همواره نقش تعیین کننده‌ای در تحولات اجتماعی جامعه ایران - قبل و بعد از استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران - داشته است، ضروری است که در تحقیق رسالت اصلی خود که همانا پویا نگه داشتن فرهنگ اسلامی است، نقش فعالی را با تربیت نیروهای متخصص و متعهد ایفا کند (Tohidlou, 2008). با این حال، مشاهده می‌شود که دانشگاهها در تحقق رسالت خود که همان کارایی بالا در رسیدن به اهداف مذکور است، بیشترشان ناکارایی نسبی دارند (Dabbagh and Baradaran Shoraca, 2009). این ناکارایی که منتج از چالشهای پیش روی این‌گونه دانشگاههاست، سبب شده است تا دانشگاهها نتوانند در تربیت نیروی انسانی متخصص و متعهد که مهم‌ترین عنصر توسعه فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی کشور محسوب می‌شوند، آن‌طور که انتظار می‌رود موفق عمل کنند (Fazeli, 2003). افزون بر این، با توجه به موضوع تحقیق حاضر که بررسی چالشهای درون دانشگاهی و برون دانشگاهی است، سؤال اساسی مطالعه این است که چالشهای پیش روی دانشگاهها چیست؟ چارچوب تئوریکی تحقیق مبتنی بر دو دیدگاه نظری در جامعه شناسی علم است: یکی رویکرد برون‌گرا و دیگری رویکرد درون‌گرا. در رویکرد برون‌گرا بر نهادی شدن روابط اجتماعی و کارکردهای اجتماعی علم در جوامع مختلف و نیز ارتباط میان عوامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی با کارکرد نظام علمی تأکید می‌شود. دانشمندانی که در این حوزه یا با این رویکرد کار می‌کنند، واقعیتهای علمی را دستخوش تعین یا جبریت عوامل ماورای علمی و مشخصاً عوامل اجتماعی می‌دانند. اصل کلی در این رویکرد این است که عملکرد نهاد علم تابع و وابسته به جهتگیریهای خاص نظری و عملی نهادها و نظامهای دیگر اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. از صاحب‌نظران این دیدگاه می‌توان به مرتن قبل از دهه ۱۹۶۰ (Ebrahimi, 1994)، فورنیر و ماهو (Tavakol, 1990)، دگره (Degree, 1968)، بلوم (Blum, 1944) و هسن (Hessen, 1931) اشاره کرد. بلوم بر این باور است که علم مستقل نیست، بلکه تحت تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی بیرون از خود است

(Ebrahimi, 1992: 32). همچنین، مرتن^۸ بر این باور است که علم یک نهاد اجتماعی است و برای آنکه علم در جامعه‌ای با بگیرد و توسعه پیدا کند یا نهادینه شود، نیازمند وجود داشتن زمینه اجتماعی و فرهنگی مناسب است. لذا، در جوامعی علم توسعه پیدا کرده و نهادینه شده است که زمینه‌های مناسب اجتماعی و فرهنگی وجود داشته است؛ عوامل اجتماعی و فرهنگی زمینه‌ساز شامل طیفی است که از پذیرش اولیه تا حمایت همه جانبه را در بر می‌گیرد (Blum, 1944: 156). دگره (Degree, 1968) نیز در همین زمینه به تعامل و تعادل پویای نهادهای اجتماعی در چارچوب ساخت اجتماعی - اقتصادی موجود در یک زمان و مکان توجه دارد.

در رویکرد درونگرا مفهوم کلیدی اجتماع علمی است که به‌عنوان یک نظام یا به تعبیر بهتر خرده نظام در مقابل جامعه کلی محسوب می‌شود و از این دیدگاه پیشرفت علم قایم به وجود اجتماع علمی است (Ebrahimi, 1992: 43). از صاحب‌نظران این رویکرد می‌توان به مرتن بعد از دهه ۱۹۶۰، برنارد باربر، هاگستروم و استور (Ebrahimi, 1992) اشاره کرد. مثلاً مرتن بعد از تغییر رویکرد به ساختار اجتماعی علم در قالب مفهوم اجتماع علمی توجه و علم را به‌مثابه خرده نظامی از جامعه؛ یعنی نظامی از روابط اجتماعی تعریف کرد (Blum, 1977). در مجموع، چارچوب نظری تحقیق حاضر ترکیبی از هر دو دیدگاه برونگرا و درونگرا در حوزه جامعه‌شناسی علم است که یکی بر تأثیر عوامل کلان جامعه بر اجتماع علمی تأکید دارد و دیگری استقلال نسبی برای اجتماع علمی قایل است و تبیین مسائل و موضوعات علمی را امری وابسته به عناصر و مؤلفه‌های درونی اجتماع علمی می‌داند. با توجه به ساختار گسترده دولت در جامعه ایران و همچنین، ترکیب ساختار سازمانی مراکز آموزش عالی به‌عنوان اجتماعات علمی که حاکی از استقلال نسبی آنهاست، در چارچوب نظری پژوهش حاضر روابط متقابل و همبستگی بالای مؤلفه‌های درونی و برونی اجتماع علمی پذیرفته شده است. بدین دلیل در این پژوهش دانشگاه به‌عنوان یک اجتماع علمی یا به تعبیر دیگر، به مثابه یک خرده سیستم در ارتباط متقابل با جامعه به‌عنوان یک کلیت یا نظام کلی در نظر گرفته شده است که در اغلب دیدگاه‌ها از جمله در تفکر و دیدگاه اسلامی حاکم بر جامعه ما نسبت به جامعه اسلامی و دانشگاه اسلامی، تفکر سیستمی حاکم است و در این دیدگاه ضمن توجه و تأکید بر نقش هر یک از اجزای سیستم، و حتی اهمیت و اولویت داشتن جایگاه و نقش برخی نهادها مثل دانشگاه در جامعه، نظام برتر و مهم‌تر از اجزاست و عملکرد اجزا و عناصر باید معطوف به سیستم باشد. برای مثال، از نظر امام خمینی (قدس سره)، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، حفظ نظام اسلامی در رأس همه امور است یا ایشان با برتر دانستن نقش دانشگاه، دانشگاه را مبدأ همه تحولات در جامعه می‌دانند. امام خمینی (ره) در کلامی دیگر در خصوص دانشگاه اسلامی می‌فرماید که دانشگاه اسلامی باید در خدمت ملت و احتیاجات کشور باشد. می‌خواهیم بگوییم که دانشگاه‌های ما باید

در احتیاجاتی که ملت دارند در خدمت ملت باشند، نه در خدمت اجانب... باید دانشگاه اسلامی بشود تا علمی که در دانشگاه تحصیل می‌شود در راه ملت و در راه تقویت ملت و با احتیاج ملت همراه باشد (Imam Khomeini, 1992: 194). همچنین، مقام معظم رهبری در نشست با استادان دانشگاه و نخبگان علمی بر ضرورت همسویی برنامه‌ریزیها و اولویتهای علمی کشور با نیازها و امکانات جامعه تأکید کردند و فرمودند که ما با امکانات محدود و نیازهای فراوان نباید به خودمان اجازه بدهیم که در کاری که از اولویت برخوردار نیست، سرمایه‌گذاری فکری، پولی، وقتی و انسانی بکنیم (۱۳۸۷/۷/۳). همچنین، در نظریه‌های دیگر مثل نظریه نظام اجتماعی پارسنز که معطوف به جامعه امریکاست نیز مفهوم نظام و ارتباط و پیوند اجزا در درون سیستم، مفهوم مرکزی دیدگاه کارکردگرایانه ساختاری پارسنز است. در نظریه پارسنز عملکرد خرده سیستمها در جامعه به کارکردهای نظام اجتماعی معطوف است که ایفای آنها باعث تعادل و تقویت و بقای نظام می‌شود (Ritzer, 2005: 224). بنابراین، در مقاله حاضر دانشگاه به‌عنوان یک خرده سیستم مهم و مؤثر در ارتباط متقابل با جامعه به‌مثابه یک نظام اجتماعی تلقی و چالشهای درونی و بیرونی دانشگاه از منظر استادان و دانشجویان کارشناسی‌ارشد دانشگاه مازندران بررسی شده است.

اجزا و عناصر اجتماع علمی: اگرچه برخی بر این باورند که اجتماع علمی یک هویت مستقل حقوقی و رسمی ندارد، اما با کمی مسامحه و محدود کردن موضوع می‌توان برای اجتماع علمی اجزا و عناصری را قایل شد که عبارت‌اند از: نیروی انسانی، سرمایه‌گذاری، مراکز آموزشی و پژوهشی، مدیریت نهادهای علمی، انجمنهای علمی، ارتباطات و همکاری علمی، هنجارها و اخلاقیات در علم و نگرش اجتماعی به کار دسته جمعی، مباحثه و مفاهمه.

کارکردها و مزیت‌های اجتماعات علمی: شکل‌گیری اجتماعات علمی در هر رده می‌تواند برای اعضای آن یک سری مزیتها را به‌دنبال داشته باشد که عبارت‌اند از:

الف. پژوهشگران عمدتاً از طریق ایجاد ارتباط با سایر پژوهشگران، خواه ارشد باشند یا پایین‌تر، می‌توانند از رهیافتهای تجربی دیگران در هدایت فعالیتهای علمی خود استفاده کنند؛

ب. اجتماعات علمی می‌توانند زمینه را برای اشتغال و بازار کار اعضا فراهم کنند؛

ج. عضو بودن در اجتماعات علمی، شبکه ارتباطی اعضا را که یکی از پشتوانه‌های سرمایه اجتماعی شخص در جامعه محسوب می‌شود، گسترش می‌دهد؛

د. عضویت در اجتماعات علمی معرفت علمی اعضا را افزایش می‌دهد.

علاوه بر مزیت‌های یاد شده، کسب موفقیت در فعالیتهای علمی و ارتقای پایگاه علمی دانشمندان در اجتماع علمی نیز می‌تواند مزیت‌های زیر را برای اعضا در برداشته باشد:

۱. برقراری ارتباط با جرگه دانشمندان برجسته یک رشته خاص از طریق ایجاد تصویر اجتماعی مناسب و حسن شهرت (ارتباطات رسمی و غیررسمی علمی)؛

۲. برخورداری از اعتبارات و امکانات لازم به‌منظور اجرای طرح‌های پژوهشی؛
۳. امکان رفتن به مسافرت‌های گوناگون علمی به سایر نقاط اعم از داخل یا خارج از کشور به‌منظور تبادل نظر و آشنایی با فعالیتهای علمی؛
۴. اشتغال در مؤسسات علمی معتبر و مشهور و ارتباط علمی با سایر مؤسسات مشابه؛
۵. صرف وقت بیشتر در امور پژوهشی به جای فعالیت بیشتر در تدریس یا امور اجرایی؛
۶. مشاوره علمی و پرداختن به فعالیتهای تحقیق و توسعه از طریق همکاری با مراکز فعالیتهای کاربردی مانند صنایع پیشرفته و ... (Ebrahimi, 1993: 185)؛
۷. نظارت و کنترل بر فعالیت علمی کنشگران دانش؛
۸. توسعه میزان توافق فکری، جهت دادن نگرشهای دانشمندان و متمرکز ساختن و هدایت توجه آنان به جهات معین؛
۹. حمایت عاطفی از افراد از طریق برقراری ارتباطات علمی و افزایش مواجهات بین آنها که این امر موجب گسترش خلاقیتها در اجتماع علمی می‌شود (Ghaneie Rad, 2006: 33-34)؛
۱۰. ایجاد ظرفیت لازم برای برقراری اجتماع معرفتی (Ghaneie Rad, 2006).

کارکردهای دانشگاه: جامعه چه انتظاراتی از دانشگاه به‌عنوان یک نهاد اجتماعی دارد؛ به‌عبارت دیگر، نهاد اجتماعی یا اجتماع علمی دانشگاه برای پاسخ به چه نیازهایی در جامعه پدید آمده است؟ ریکوی درز دانشگاه را منبع تحول و نوآوری و کارکرد مهم دانشگاه را خدمت به نهادهای بیرونی، نشر فرهنگ و پیش‌بینی آینده می‌داند. مک‌گریگور تربیت متخصصان را یکی از کارکردهای اساسی دانشگاه می‌داند. به‌نظر جیمز ریوس انجام دادن پژوهش، تربیت محقق و ارائه آموزشهای نظری و حرفه‌ای از کارکردهای دانشگاه به‌شمار می‌روند (Boor Cabal, 2004). معیدفر تولید و انتقال دانش و جامعه‌پذیری را دو کارکرد مهم دانشگاه در جامعه ایران می‌داند. او کارکرد جامعه‌پذیری دانشگاه در جامعه ایران را مهم‌تر از کارکردهای دیگر می‌داند (Moedfar, 2009). در مجموع، دانشگاه دارای پنج کارکرد اساسی در جامعه به شرح زیر است:

۱. تربیت نیروی انسانی متخصص و حرفه‌ای. با توسعه جوامع و گسترش تقسیم کار اجتماعی، مشاغل تخصصی و فنی پیچیده و متنوعی در زمینه‌های مختلف پدید آمد که انجام یافتن آنها مستلزم داشتن شناخت و کسب مهارت‌های لازم است. بخش عمده مسئولیت ارائه آموزشهای نظری و مهارتی به متقاضیان مشاغل تخصصی بر عهده دانشگاه‌هاست. به‌علاوه، دانشگاه‌ها در کنار انجام دادن این کار سعی می‌کنند تا وظیفه جامعه‌پذیری متقاضیان را نیز انجام دهند؛ بدین معنا که می‌کوشند هنجارها و ارزشهای حرفه‌ای و اجتماعی را در کنار آموزش به دانشجویان انتقال دهند.
۲. تلاش برای شناخت جهان و تولید دانش علمی. بشر امروزی علی‌رغم پیشرفتهایی که در شناخت جهان طبیعی و انسانی داشته، هنوز برای بسیاری از پرسشها پاسخی نیافته است. بنابراین، دانشگاه‌ها

- و دانشمندان، به‌صورت خاص، مسئولیت دارند مرزهای دانش را گسترش دهند و برای یافتن پاسخهای مناسب برای پرسشهای موجود بشر تلاش کنند.
۳. خلق و توسعه فناوری. تبدیل دانش به فناوری و ابزار نیز از وظایف بسیار مهم دانشگاهها و دانشمندان است. به‌کارگیری دستاوردهای علمی در زندگی روزمره و حل مسائل و مشکلات جامعه چیزی است که جامعه معاصر به‌شدت نیازمند آن است.
۴. ایفای نقش تزکیه‌ای و تربیتی در کنار وظایف تعلیمی و آموزشی به‌منظور تربیت افراد متعهد به آموزه‌های دینی و ارزشهای جامعه اسلامی (ر. ش. قرآن کریم، سوره جمعه).
۵. تلاش به‌منظور تأمین نیازهای اساسی جامعه اسلامی و آحاد مسلمانان در زمینه‌های علمی، فناوری، آموزشی و تربیتی، به‌گونه‌ای که جامعه اسلامی برای تأمین نیازهای خود تحت سیطره کشورهای غیر اسلامی قرار نگیرد.

فرضیه‌های تحقیق

۱. بین نوع نگاه دانشجویان کارشناسی‌ارشد و استادان به چالشهای اجتماع علمی درون و برون دانشگاهی تفاوت وجود دارد.
۲. بین چالشهای اجتماع علمی درون و برون دانشگاه رابطه معناداری وجود دارد.

روش پژوهش

روش تحقیق حاضر پیمایش و ابزار مورد استفاده برای گردآوری داده‌ها پرسشنامه است. شایان ذکر است که پرسشنامه مذکور حاوی اطلاعات مربوط به متغیرهای زمینه‌ای و اطلاعات مرتبط با شاخصهای تعریف شده برای متغیرهای مورد نظر در فرضیه‌هاست. جامعه آماری این تحقیق شامل همه استادان و دانشجویان کارشناسی‌ارشد دانشگاه مازندران است. تعداد این افراد بر طبق آمار ارائه شده از سوی آموزش دانشگاه در سال ۱۳۸۷، ۱۰۹۵ نفر بوده است. حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان ۲۸۰ نفر تعیین شد که از این تعداد ۱۰۷ نفر به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند. همچنین، نمونه‌گیری با روش طبقه‌ای متناسب انجام شد.

تعاریف مفهومی و عملیاتی مفاهیم

اجتماع علمی: اجتماع علمی را می‌توان جمع دانشمندان و محققان و مؤسسات علمی، آموزشی و پژوهشی دانست که در سطح یک جامعه به فعالیت مشغول‌اند و مطابق قواعد و هنجارهای رسمی و غیر رسمی عمل می‌کنند و با اجتماعات علمی دیگر ارتباط فعال دارند (Ebrahimi, 1994: 33).

«استورر» در موافقت با ژوزف بن دیوید، جامعه علمی را به معنای جمع مشترکی تلقی می‌کند که دارای هنجارها و خط‌مشی‌های خاص خود هستند. به نظر «آدریانو» اجتماع علمی مجموعه‌ای از افراد

است که برای تعقیب اهداف مشترکی گرد هم می‌آیند. توماس کوهن یک جامعه علمی را تشکیل یافته از کسانی می‌داند که در یک نمونه یا پارادایم شریک‌اند (Ebrahimi, 1994).

برخی نیز اجتماع علمی را اجتماعی می‌دانند که همانند اجتماع‌های دیگر بشری ارزشها، هنجارها و الگوهای رفتاری، کنترلها و تنبیه‌های خود را دارد، به‌گونه‌ای که وجود آن سبب می‌شود تا صاحب‌نظران و متفکران یک جامعه با امنیت و خاطری آسوده و بی‌دغدغه به سرقت آثار و تراوشهای فکری خود در این اجتماع مشارکت کنند و بر اندوخته و ذخیره علمی یک کشور بیفزایند (Zand, 1995).

گروهی نیز در تعریف اجتماع علمی و شرایط شکل‌گیری آن بر تعداد جمعیت درگیر در فعالیتهای علمی و حداقل جمعیت لازم برای رشد علمی انگشت نهاده‌اند و الگوهای تراکم جمعیتی ← تراکم ارتباطی ← رقابت ← و توسعه را مطرح کرده‌اند (Zand, 1995). در پژوهش حاضر دانشگاه مازندران به‌عنوان یک اجتماع علمی در نظر گرفته شده است.

چالش: مفهوم چالش که معادل challenge است، در اصطلاح با معانی متعددی مانند جدال، ناهمواری، تلاش سخت و غیره همراه است. در فرهنگ لغات BBC به‌معنای چیز جدیدی است که مستلزم تلاش گسترده و تعیین‌کننده‌ای است (ZoAlm, 2009: 2) صالحی امیری در مجموعه مقالات چالش‌های اجتماعی ایران، چالش را به‌معنای مسائل و مشکلات و موانع بر سر راه تحقق اهداف تعریف کرده است (Salehi Amiri, 1992: 6-8)؛ به‌عبارت دیگر، وجود چالش؛ یعنی وجود هر چیزی که کنشگر فردی و جمعی را در رسیدن به هدفها و اجرای برنامه‌ها دچار مشکل می‌کند. لذا، برای رسیدن به هدف باید بسیار تلاش کرد تا موانع و ناهمواریها را برطرف ساخت. بنابراین، منظور از چالش‌های اجتماع علمی هرگونه مانع و مشکلی است که در سر راه تحقق اهداف و انجام یافتن وظایف اجتماع علمی وجود دارد.

چالش‌های درونی دانشگاه: منظور از چالش‌های درونی دانشگاه وضعیتهای نابسامان و غیرقابل قبول یا مسئله‌ها و موانعی است که در درون دانشگاه وجود دارد و کنشگران فردی و گروهی را در ادای وظایف و رسیدن به اهداف باز می‌دارد. این متغیر اصلی از طریق پاسخ استادان و دانشجویان کارشناسی‌ارشد به ۳۴ گویه در مقیاس لیکرت سنجیده شده است. مؤلفه‌های این متغیر اصلی عبارت‌اند از: چالش‌های آموزشی، علمی و پژوهشی، سازمانی و اداری، کاهش سرمایه اجتماعی، رقابت کمی گرایانه و تجاری مآبانه. چالش‌های بیرونی دانشگاه: به وضعیتهای نابسامان و غیرقابل قبول یا مسئله‌ها و موانعی گفته می‌شود که در خارج از دانشگاه قرار دارد و دانشگاه یا کنشگران را در ادای وظایف و رسیدن به اهدافشان باز می‌دارد. این متغیر اصلی از طریق پاسخ استادان و دانشجویان کارشناسی‌ارشد به ۲۱ گویه در مقیاس لیکرت سنجیده شده است. مؤلفه‌های این متغیر اصلی عبارت‌اند از: چالش‌های سیاسی، اقتصادی و ناهماهنگی کارکردی نهادها. در پژوهش حاضر برای تعیین سلسله مراتب چالش‌های اجتماع علمی از دیدگاه دانشجویان و استادان، پس از گردآوری داده‌ها، داده‌های به‌دست آمده استاندارد (Z) و مقایسه شده‌اند.

در این پژوهش برای تعیین اعتبار ابزار تحقیق (پرسشنامه) از روش اعتبار صوری که نوعی اعتبار محتوایی است، استفاده شده است. منظور از اعتبار صوری میزان توافق متخصصان یک امر با یک شاخص یا معیار است (Frankfurd and Nchmyas, 2002: 287). بدین منظور، از دیدگاههای متخصصان و کارشناسان در زمینه منطبق بودن محتوای سؤالات با ویژگیهای مورد انتظار استفاده شده است. همچنین، برای تعیین روایی گویه‌های تحقیق از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد که نتیجه آزمون به وسیله نرم افزار SPSS در جدول زیر پردازش شده است. گفتنی است که آلفای کل پرسشنامه ۰/۸۹ درصد است.

جدول ۱- معرفیها و ضریب روایی نهایی هر یک از آنها

مفهوم	شاخص	تعداد گویه	مقیاس	ضریب آلفا
چالشهای درون دانشگاهی	آموزشی	۱۱	ترتیبی	۰/۷۰
	پژوهشی	۷	ترتیبی	۰/۵۳
	سازمانی (بوروکراتیک)	۶	ترتیبی	۰/۶۷
	کاهش سرمایه اجتماعی	۷	ترتیبی	۰/۷۴
	تجاری شدن	۵	ترتیبی	۰/۵۶
چالشهای برون دانشگاهی	اقتصادی	۷	ترتیبی	۰/۶۲
	سیاسی	۷	ترتیبی	۰/۶۴
	ناهماهنگی سازمانها	۷	ترتیبی	۰/۶۹

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی: بررسیهای توصیفی، آمارهای ساده و اولیه‌ای را فراهم می‌سازد که می‌توان تحلیل‌های تبیینی را بر پایه آنها بنا نهاد. بر اساس داده‌های تحقیق، نسبت پاسخگویان مرد (۵۶/۱) بیشتر از پاسخگویان زن (۴۳/۹) است. همچنین، نتایج نشان داد که ۷۳/۸ درصد از پاسخگویان مجرد و ۲۶/۲ درصد از پاسخگویان متأهل هستند. از سوی دیگر، ۲/۸ درصد از پاسخگویان در طبقه پایین، ۳۱/۸ درصد در طبقه متوسط رو به پایین، ۴۳/۹ درصد در طبقه متوسط رو به بالا و ۲۱/۵ درصد هم در طبقه بالای جامعه قرار دارند. از نظر رتبه علمی نیز ۷۴/۸ درصد در حال تحصیل در دوره کارشناسی ارشد و ۲۵/۲ درصد نیز عضو هیئت علمی دانشگاه هستند.

در جدول ۲ سلسله مراتب اهمیت چالشهای مختلف درون و برون دانشگاهی به تفکیک جنسیت نشان داده شده است. برای این منظور با استاندارد سازی (Z) نمرات مربوط به چالشهای مختلف درون و برون دانشگاهی، میزان گرایش به هر چالش بر حسب نمره از ۵ بیان شده است؛ به عبارت دیگر، در این

طیف‌بندی کمترین نمره ۱ و بالاترین نمره ۵ است؛ یعنی اگر هر کدام از چالش‌ها نمره میانگین بیشتری را از نظر پاسخگویان کسب کند، وضعیت نامطلوب و حادثی را نسبت به دیگر چالش‌ها که نمره میانگین کمتری را به‌دست آورده‌اند، نشان می‌دهد.

جدول ۲- سلسله مراتب اهمیت چالش‌های مختلف درون دانشگاهی و برون دانشگاهی به تفکیک

جنسیت

میانگین کل		زنان		مردان	
میانگین از (۵)	نوع چالش‌ها به ترتیب اهمیت	میانگین از (۵)	نوع چالش‌ها به ترتیب اهمیت	میانگین از (۵)	نوع چالش‌ها به ترتیب اهمیت
۴.۳۰۱	ناهماهنگی سازمانها	۴.۳۲۷	ناهماهنگی سازمانها	۴.۲۸۰	ناهماهنگی سازمانها
۴.۲۰۰	تجاری شدن	۴.۲۲۰	پژوهشی	۴.۲۲۰	تجاری شدن
۴.۱۹۲	پژوهشی	۴.۱۷۳	تجاری شدن	۴.۱۷۰	پژوهشی
۴.۰۲۴	آموزشی	۴.۰۴۹	اقتصادی	۴.۰۲۶	آموزشی
۳.۹۵۲	کاهش سرمایه اجتماعی	۴.۰۳۴	کاهش سرمایه اجتماعی	۳.۹۴۶	سازمانی(بوروکراتیک)
۳.۹۴۶	سازمانی(بوروکراتیک)	۴.۰۲۱	آموزشی	۳.۹۲۰	سیاسی
۳.۹۱۹	اقتصادی	۳.۹۴۷	سازمانی(بوروکراتیک)	۳.۸۹۲	کاهش سرمایه اجتماعی
۳.۸۴۶	سیاسی	۳.۷۵۴	سیاسی	۳.۸۱۰	اقتصادی
۴.۱۰۲	چالش‌های درون دانشگاهی	۴.۱۲۷	چالش‌های درون دانشگاهی	۴.۰۸۵	چالش‌های درون دانشگاهی
۴.۰۳۹	چالش‌های برون دانشگاهی	۴.۰۵۲	چالش‌های برون دانشگاهی	۴.۰۲۸	چالش‌های برون دانشگاهی

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که وجود نداشتن ارتباط مناسب میان دانشگاه‌ها و نهادهای بیرون جامعه (ناهماهنگی سازمانی) مهم‌ترین چالش از نظر مردان و زنان است. دیگر اینکه از نظر مردان حاکم شدن روحیه تجاری مآبانه بر دانشگاه‌ها دومین چالش دانشگاه‌هاست، در صورتی که از نظر زنان چالش پژوهشی دومین معضل دانشگاه‌ها به‌شمار می‌رود، اما در رده بعدی، جای این چالش‌ها (پژوهشی و تجاری شدن) تغییر کرده است. در کل، از نظر پاسخگویان به ترتیب چالش‌های ناهماهنگی سازمانی، تجاری شدن، پژوهشی و آموزشی نسبت به سایر چالش‌ها وضعیت نامطلوب و حادثی دارند. بعضی از این چالش‌ها (پژوهشی و آموزشی) در واقع، همان کارکردهایی هستند که به دانشگاه مشروعیت می‌بخشند. افزون بر این، بر اساس یافته‌های به‌دست آمده از مؤلفه‌های چالش‌های برون دانشگاهی به ترتیب اولویت، نزد پاسخگویان مرد، چالش‌های سیاسی از اهمیت بیشتری برخوردار است و نزد زنان پاسخگو معضلات اقتصادی اهمیت بیشتری دارد. در مجموع، جدول ۲ بیانگر آن است که از نظر هر دو جنسیت، امروزه چالش‌های درون دانشگاهی بیشتر از چالش‌های برون دانشگاهی دانشگاه‌ها را با مسئله مواجه ساخته است. در جدول ۳ سلسله مراتب اهمیت چالش‌های مختلف دانشگاه به تفکیک استادان و دانشجویان و کل جامعه آماری نشان داده شده است. برای این منظور با استاندارد سازی (Z) نمرات مربوط به چالش‌های

مختلف درون و برون دانشگاهی میزان گرایش به هر چالش بر حسب نمره از ۵ بیان شده است.

جدول ۳- سلسله مراتب اهمیت چالشهای مختلف درون و برون دانشگاهی به تفکیک استادان و دانشجویان و کل نمونه آماری

میانگین کل		دانشجویان کارشناسی ارشد		اعضای هیئت علمی	
میانگین از (۵)	نوع چالشها به ترتیب اهمیت	میانگین از (۵)	نوع چالشها به ترتیب اهمیت	میانگین از (۵)	نوع چالشها به ترتیب اهمیت
۴.۳۰۱	ناهماهنگی سازمانها	۴.۳۱۰	ناهماهنگی سازمانها	۴.۲۷۳	ناهماهنگی سازمانها
۴.۲۰۰	تجاری شدن	۴.۲۱۱	پژوهشی	۴.۲۱۵	تجاری شدن
۴.۱۹۲	پژوهشی	۴.۱۹۵	تجاری شدن	۴.۱۳۱	پژوهشی
۴.۰۲۴	آموزشی	۴.۰۹۹	آموزشی	۳.۷۷۳	اقتصادی
۳.۹۵۳	کاهش سرمایه اجتماعی	۴.۰۴۳	کاهش سرمایه اجتماعی	۳.۷۶۸	سازمانی (بوروکراتیک)
۳.۹۴۶	سازمانی (بوروکراتیک)	۴.۰۰۴	سازمانی (بوروکراتیک)	۳.۷۴۸	آموزشی
۳.۹۱۹	اقتصادی	۳.۹۶۴	اقتصادی	۳.۷۰۸	کاهش سرمایه اجتماعی
۳.۸۴۶	سیاسی	۳.۸۹۱	سیاسی	۳.۷۰۱	سیاسی
۴.۱۰۲	چالشهای درون دانشگاهی	۴.۱۶۱	چالشهای درون دانشگاهی	۳.۹۲۲	چالشهای درون دانشگاهی
۴.۰۳۹	چالشهای برون دانشگاهی	۴.۰۷۵	چالشهای برون دانشگاهی	۳.۹۲۰	چالشهای برون دانشگاهی

نتایج جدول ۳ بیانگر آن است که از بین انواع گوناگون چالشها، مهم‌ترین معضل ناهماهنگی کارکردی بین دانشگاهها و سایر نهادهای خارج از دانشگاه است. معضل دوم حاکم شدن روحیه تجاری مآبانه بر دانشگاههاست؛ این چالش بیانگر آن است که کمیت جای کیفیت را در دانشگاهها گرفته است. معضل سوم، وضعیت نامطلوب پژوهش در دانشگاههاست که این واقعیت نیز سوالات زیادی را فرا روی مخاطبان و متصدیان امر پژوهش قرار می‌دهد.

داده‌های جدول ۳ در خصوص مقایسه دیدگاههای استادان و دانشجویان نشان می‌دهد که هر دو گروه بر اهمیت معضلات درونی اجتماع علمی تأکید بیشتری دارند. در واقع، چالش برتر نزد استادان نبود ارتباط مناسب بین دانشگاه و نهادهای بیرونی جامعه است. افزون بر این، دو چالش دیگر؛ یعنی امر پژوهش و چالش تجاری شدن دانشگاهها از نظر استادان و دانشجویان وضعیت نامطلوبی را پیش روی دانشگاهها قرار داده است. دیگر اینکه بر اساس رتبه‌بندی صورت گرفته، چالش آموزش از نظر دانشجویان وضعیت نامناسب‌تری را نسبت به دیدگاه استادان نشان می‌دهد. در واقع، این نتیجه بیانگر آن است که دانشجویان از وضعیت آموزش تا حدودی ناراضی هستند.

یافته‌های تبیینی

۱. بین نوع نگاه دانشجویان کارشناسی‌ارشد و استادان به چالش‌های اجتماع علمی درون و برون دانشگاهی تفاوت وجود دارد.

نتایج به‌دست آمده از آزمون t در جدول ۴ نشان می‌دهد که بین نگرش دانشجویان کارشناسی‌ارشد در خصوص چالش‌های پیش روی نظام دانشگاهی در حوزه‌های آموزشی، سرمایه اجتماعی (تعاملات، اعتماد و ارزشهای الزام‌آور)، فضای سازمانی و مسائل اقتصادی گریبانگیر نظام دانشگاهی با استادان تفاوت معناداری دیده می‌شود. به علاوه، در نگرش دانشجویان در خصوص چالش‌های درون دانشگاهی تفاوت فاحشی با استادان وجود دارد، اما در خصوص مسائل برون دانشگاهی دیدگاه دانشجویان و استادان به هم نزدیک است. البته، تفاوت دیدگاه استادان و دانشجویان در باره چالش‌های درون دانشگاهی شاید به این دلیل باشد که دانشجویان، استادان را در شکل‌گیری و حضور چالش‌های درون دانشگاه مؤثر یا به تعبیری مقصر می‌دانند. همچنین، بین دیدگاه زنان و مردان در خصوص چالش اقتصادی تفاوت معناداری وجود دارد، به‌گونه‌ای که از نظر زنان چالش اقتصادی در مرتبه چهارم و از دید مردان در رتبه هشتم قرار دارد. در مجموع، نتایج آزمون t نشان می‌دهد که نگاه به مسائل و معضلات موجود در درون و بیرون دانشگاه، مبنای جنسیتی ندارد و برداشت هر دو زنان و مردان در ارزیابی چالش‌های دانشگاهی شبیه هم است.

جدول ۴- نتایج آزمون آماری T ، مؤلفه‌های چالش‌های درونی و برونی دانشگاه به تفکیک جنسیت و مرتبه علمی

مؤلفه‌ها		متغیرهای زمینه‌ای		جنسیت					
				مرد		زن			
				م	ف	م	ف		
آموزشی		درجه علمی و تحصیلی		عضو هیئت علمی		کارشناسی ارشد			
		م	ف	م	ف	م	ف		
پژوهشی		مقدار $t = ۰/۹۸ = -$		مقدار $sig = ۰/۹۲ =$		مقدار $t = ۲/۷۴ =$		مقدار $sig = ۰/۰۰۰ =$	
		۴۳	۴۰/۰۲	۵۵	۳۹/۹۲	۲۱	۳۶/۷۱	۷۷	۴۰/۸۵
چالش‌های درون دانشگاهی		مقدار $t = ۰/۰۶ = -$		مقدار $sig = ۰/۹۹ =$		مقدار $t = ۱/۹۰ =$		مقدار $sig = ۰/۰۵۹ =$	
		۴۱	۲۳/۶۸	۵۳	۲۳/۶۷	۲۳	۲۲/۶۰	۷۱	۲۴/۰۲
کاهش سرمایه اجتماعی		مقدار $t = ۱/۱۶ = -$		مقدار $sig = ۰/۲۵ =$		مقدار $t = ۲/۴۹ =$		مقدار $sig = ۰/۰۱۴ =$	
		۳۷	۲۸/۲۴	۴۹	۲۷/۲۴	۲۳	۲۵/۹۵	۶۳	۲۸/۳۰
تجاری شدن		مقدار $t = ۰/۴۳ =$		مقدار $sig = ۰/۶۷ =$		مقدار $t = ۱۲/۹۲ =$		مقدار $sig = ۰/۷۴ =$	
		۴۶	۱۲/۷۱	۶۰	۱۲/۸۸	۲۶	۱۲/۹۲	۸۰	۱۲/۷۷

ادامه جدول ۴

درجه علمی و تحصیلی				جنسیت				متغیرهای زمینه‌ای	
دانشجوی کارشناسی ارشد		عضو هیئت علمی		مرد		زن			
م	ف	م	ف	م	ف	م	ف	مؤلفه‌ها	
۲۷/۷۵	۷۷	۲۶/۴۱	۲۴	۲۶/۶۷	۵۵	۲۸/۳۴	۴۶	اقتصادی	چالشهای برون دانشگاهی
مقدار sig = ۰/۰۹		مقدار t = ۱/۶۸		مقدار sig = ۰/۰۱۴		مقدار t = ۲/۵۰			
۲۷/۲۴	۷۴	۲۵/۹۱	۲۳	۲۷/۴۴	۵۴	۲۶/۲۷	۴۳	سیاسی	چالشهای درون دانشگاهی
مقدار sig = ۰/۱۵		مقدار t = ۱/۴۳		مقدار sig = ۰/۱۴۶		مقدار t = ۱/۴۷			
۳۰/۱۷	۷۶	۲۹/۹۱	۲۴	۲۹/۹۶	۵۶	۳۰/۲۹	۴۴	ناهماهنگی سازمانها (ناهماهنگی کارکردی)	چالشهای برون دانشگاهی
مقدار sig = ۰/۷۳		مقدار t = ۰/۳۴		مقدار sig = ۰/۶۲		مقدار t = -/۵۰			
۱۳۷/۱۵	۵۹	۱۳۸/۳۶	۱۹	۱۳۴/۳۱	۴۵	۱۳۵/۹۵	۳۳	چالشهای درون دانشگاهی	چالشهای برون دانشگاهی
مقدار sig = ۰/۰۲۳		مقدار t = ۲/۳۲		مقدار sig = ۰/۶۳		مقدار t = -/۴۸			
۸۵/۵۷	۶۹	۸۲/۳۳	۲۱	۸۴/۵۹	۴۹	۸۵/۰۹	۴۱		
مقدار sig = ۰/۱۱۸		مقدار t = ۱/۵۷		مقدار sig = ۰/۷۸		مقدار t = -/۲۸			

ف: فراوانی م: میانگین

۲. بین چالشهای اجتماع علمی درون و برون دانشگاه رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه مطرح بر اساس رویکرد برون‌گرا این است که بین مسائل بیرون از دانشگاه و درون دانشگاهی رابطه وجود دارد؛ به عبارت دیگر، مسائل خارج از نظام دانشگاهی بر نظام دانشگاهی اثرگذارند. در جدول ۵ شدت همبستگی و سطح معناداری میان مؤلفه‌های چالشهای درون دانشگاهی با مؤلفه‌های چالشهای برون دانشگاهی نشان شده است.

همان‌گونه که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، بین مؤلفه‌های چالشهای بیرون از نظام دانشگاهی و درون نظام دانشگاهی همبستگی تنگاتنگی وجود دارد. نتایج به‌دست آمده حاکی از آن است که مسائل موجود در یک فضای اجتماعی آن قدر در هم تنیده و مرتبط به یکدیگرند که تفکیک و تمایز قایل شدن بین مسائل و تمایز کردن مسائل بخشهای موجود در خرده نظامهای یک فضای اجتماعی از هم کار بسیار سختی به نظر می‌رسد.

جدول ۵- ضریب همبستگی مؤلفه‌های چالش‌های درون نظام دانشگاهی با مؤلفه‌های چالش‌های برون نظام دانشگاهی

تجاری شدن	کاهش سرمایه اجتماعی	سازمانی	پژوهشی	آموزشی	ناهماهنگی سازمانها	سیاست زدگی	اقتصادی و اجتماعی		
**./۳۹	**./۵۶۷	**./۵۱۵	**۲۹۰	**./۵۰۱	**./۵۵۱	**./۴۱۳	۱	ضریب همبستگی	اقتصادی و اجتماعی
...	پیرسون	
...	سطح معناداری	
۱۰۰	۸۳	۹۱	۹۸	۹۴	۹۶	۹۳	۱۰۱	تعداد پاسخگویان	سیاست زدگی
*./۲۵۵	**./۵۸۲	**./۶۱۸	**./۲۷۹	**۴۶۹	**./۴۶۵	**۱	**./۴۱۳	ضریب همبستگی	
-.۰۱۲/۰۰۶	پیرسون	
۹۷	۸۵	۹۲	۹۴	۹۱	۹۴	۹۷	۹۳	سطح معناداری	ناهماهنگی سازمانها
**./۴۶۷	**./۵۰۲	**./۵۶۹	**./۴۱۳	**./۵۱۴	۱	**./۴۶۵	**./۵۵۱	تعداد پاسخگویان	
...	ضریب همبستگی	
۹۹	۸۵	۹۲	۹۶	۹۲	۱۰۰	۹۴	۹۶	پیرسون	آموزشی
...	سطح معناداری	
...	تعداد پاسخگویان	
*./۲۱۰	**./۶۸۴	**./۴۹۰	**./۳۵۶	۱	**./۵۱۴	**./۴۶۹	**./۵۰۱	ضریب همبستگی	پژوهشی
-.۰۳۸	پیرسون	
۹۸	۸۰	۸۸	۹۵	۹۸	۹۲	۹۱	۹۴	سطح معناداری	
-.۱۸۹	**./۳۶۵	**./۲۷۲	۱	**./۳۵۶	**./۴۱۳	**./۲۷۹	**./۲۹۰	تعداد پاسخگویان	سازمانی
-.۰۹۵	-.۰۰۱	./۰۰۹/۰۰۶	-.۰۰۴	ضریب همبستگی	
۱۰۱	۸۴	۹۲	۱۰۱	۹۵	۹۶	۹۴	۹۸	پیرسون	
*./۲۲۵	**./۶۵۵	۱	**./۲۷۲	**./۴۹۰	**./۵۶۹	**./۶۱۸	**./۵۱۵	سطح معناداری	کاهش سرمایه اجتماعی
-.۰۲۹/۰۰۹	تعداد پاسخگویان	
۹۴	۸۴	۹۴	۹۲	۸۸	۹۲	۹۲	۹۱	ضریب همبستگی	
-.۱۹۸	۱	**./۶۵۵	**./۳۶۵	**./۶۸۴	**./۵۰۲	**./۵۸۲	**./۵۶۷	پیرسون	تجاری شدن
-.۰۶۸/۰۰۱	سطح معناداری	
۸۶	۸۶	۸۴	۸۴	۸۰	۸۵	۸۵	۸۳	تعداد پاسخگویان	
۱	-.۱۹۸	*./۲۲۵	-.۱۸۹	*./۲۱۰	**./۴۶۷	*./۲۵۵	**./۳۹۰	ضریب همبستگی	تجاری شدن
۰	-.۶۸	-.۲۹	./۰۵۹	./۰۳۸	...	-.۰۱۲	...	پیرسون	
۱۰۶	۸۶	۹۴	۱۰۱	۹۸	۹۹	۹۷	۱۰۰	سطح معناداری	
								تعداد پاسخگویان	

** همبستگی در سطح ۹۹ درصد معنادار است.

* همبستگی در سطح ۹۵ درصد معنادار است.

جدول ۶- ضریب همبستگی بین چالش‌های درون دانشگاهی و برون دانشگاهی نظام علمی

متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری	رابطه یا عدم رابطه
چالش‌های درون دانشگاهی	۰/۷۷۲	۰/۰۰۰	رابطه معنادار وجود دارد

نتایج به‌دست آمده از جدول ۶ که حاکی از همبستگی بالای چالش‌های درون و برون دانشگاه است، دل بر این دیدگاه است که بین خرده نظام‌های جامعه ارتباط متقابلی وجود دارد. بنابراین، چالش‌های موجود در بطن نظام دانشگاهی به‌شدت به سایر حوزه‌های نظام اجتماعی سرایت می‌کند و با ضعفها و مسائل دیگر حوزه‌های نظام اجتماعی نیز ارتباط دارد و برعکس؛ به عبارت دیگر، نتیجه به‌دست آمده از بررسی ارتباط بین چالش‌های برون و درون دانشگاه مؤید رویکرد سیستمی به نظام اجتماعی است. بر این اساس، دانشگاه باید راهکارها و برنامه‌هایی را تدارک ببیند که بتواند در فضای رقابت انگیز امروزی چالش‌های پیش روی خود را بر دارد که این امر مستلزم باز بودن و پاسخگو بودن دانشگاهها به محیط بیرونی است.

بحث و نتیجه‌گیری

اجتماعات علمی با تکوین حوزه‌های معرفتی و اصلاح فرایندهای آموزشی و پژوهشی نقش مهمی در تولید علم دارند تا جایی که نبود اجتماعات علمی کاستیها و آسیبهای بسیاری را برای جامعه علمی به دنبال خواهد داشت.

یافته‌های تحقیق حاضر نشان داده است که اجتماع علمی در کشور ایران، علی‌رغم توسعه کمی آن به ویژه در دهه‌های بعد از انقلاب اسلامی، با دو دسته مسائل مواجه است: یک دسته مسائل درونی اجتماع علمی دانشگاه است، مانند معضلات آموزشی، پژوهشی و ... که یافته‌های این تحقیق تأیید کننده نتایج تحقیقات برخی از محققان (Esmail Bidhindi, 1998; Raeisi Jafarabadi, 1997; Hejazi, 1995; Parkariyan, 1999; Rafipoor, 2002; Salehi Omran and Gahnvati, 2010; Arasteh et al., 2008) است و دسته دیگر، مسائل خارج از اجتماع علمی است، مانند مسائل سیاسی و اقتصادی که اجتماع علمی را تحت تأثیر قرار داده است. این نتایج تأیید کننده رویکردهای نظری و تحقیقی پژوهشگرانی همچون مرتن قبل از دهه ۱۹۶۰ (Ebrahimi, 1994)، فورنیر و ماهو (Tavakol, 1991)، دگره (Degree, 1968)، بلوم (Blum, 1944) و هسن (Hessen, 1931) است. دیدگاههای دو دسته از کنشگران اصلی جامعه مورد مطالعه تحقیق حاضر؛ یعنی استادان و دانشجویان کارشناسی ارشد بیانگر آن است که نزد هر دو گروه چالشها و مسائل درون دانشگاهی مهم‌تر از معضلات برون دانشگاهی است که این یافته مؤید

رویکرد درون‌نگرا در جامعه‌شناسی علم در خصوص اجتماع علمی در جامعه ایران است. همچنین، این نتیجه همخوان با رویکرد تحقیقی بیشتر پژوهشگران دانشگاهی در کشور ایران است که موضوع تحقیق آنها نظام دانشگاهی و اجتماعات علمی بوده است، زیرا به باور آنان این مسائل (مسائل درون دانشگاهی) جامعه دانشگاهی را از مسیر اصلی خود که همان تولید علم و تربیت نیروی انسانی متخصص است، دور کرده که در پیشینه پژوهش به برخی از یافته‌های این محققان اشاره شده است. از میان چالش‌های مختلف برون دانشگاهی معضل ناهماهنگی کارکردی بین نهاد دانشگاه و نهادهای اجتماعی جامعه مهم‌ترین چالش تلقی شده است که این نتیجه با رویکردهای نظری مرتن (۱۹۶۰، Ebrahimi)، بلوم (Blum, 1944: 156) و دگره (Degree, 1968) مغایرت دارد، زیرا آنان تعامل بین خرده نظام‌های یک اجتماع را برای توسعه و پویایی نهاد علم لازم و ضروری می‌دانند. از سوی دیگر، بر اساس رویکرد سیستمی کارکردگرایی ساختاری پارسنز، ناهماهنگی کارکردی به منزله نشانه و زمینه‌ای است که یک سیستم را در دستیابی به اهدافش با محدودیت و مشکل مواجه می‌سازد. در مقابل، مسئله سیاسی در دانشگاه کمترین درجه اهمیت را دارد. تفکیک دیدگاه‌های استادان و دانشجویان بیانگر آن است که در بین استادان، دومین چالش معضل تجاری شدن فضای دانشگاه است و در میان دانشجویان دومین چالش پیش روی اجتماع علمی چالش‌های پژوهشی است.

پیشنهادات

با توجه به نتایج تجربی تحقیق که مؤید نتایج برخی از تحقیقات پیشین است که به لحاظ نظری هم قابل دفاع است، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شوند:

۱. با توجه به اظهارات اعضای هیئت علمی و دانشجویان کارشناسی‌ارشد، چالش‌های درون دانشگاهی اهمیت بیشتری دارند. لذا، تلاش برای رفع موانع و مشکلات درون دانشگاهی مؤثر بر فعالیت کنشگران دانش علمی در اجتماع علمی ضرورت دارد.
۲. ناهماهنگی کارکردی بین اجتماع علمی دانشگاه و نهادهای خارج از دانشگاه مهم‌ترین معضل و چالش در این تحقیق شناخته شد؛ به عبارت دیگر، کنشگران اجتماع علمی دانشگاه بر این باورند که رابطه کارکردی بین دانشگاه و سایر نهادها رابطه خوبی نیست و جهت‌گیری رابطه متقابل دانشگاه با جامعه تقویت‌کننده یکدیگر نیست؛ به بیان دیگر، داده‌ها حاکی از آن است که وظایف دانشگاه باید به رفع نیازهای نهادی مختلف جامعه معطوف باشد و متقابلاً، نهادهای جامعه هم نیازهای خود را با کمک دانشگاه برطرف سازند. برای مثال، تحقیقات دانشگاهی باید به نیازهای صنعتی و کشاورزی و ... جامعه معطوف باشد یا تربیت نیروی انسانی تحصیل کرده باید عمده‌تاً بر اساس سفارش و درخواست نهادهای جامعه صورت گیرد و متقابلاً هزینه انجام دادن تحقیقات و تربیت نیروهای انسانی را هم باید نهادهای اقتصادی، سیاسی و ... جامعه به دانشگاه پرداخت کنند. از این رو، ضعف ارتباط اولیه و نهادین بین

دانشگاه و سایر نهادهای موجود در جامعه ساختار لازم را برای گسترش علم و بهره‌گیری از نتایج تحقیقات علمی در دانشگاهها فراهم نمی‌سازد. بدینسان برداشتن موانعی که سبب می‌شود رابطه دانشگاه با سایر نهادهای جامعه قطع شود، نوید توسعه و پیشرفت را دارد. بنابراین، باید تلقی سنتی از علم و دانشگاهها کنار زده شود و تلقی نوین و مدرن که الگوی توسعه را برای جوامع به‌دنبال داشته است، جایگزین شود؛ به عبارت دیگر، با توجه به نتیجه‌ای که در تحقیق حاضر به‌دست آمد (نگرانی از نبود ارتباط کافی بین دانشگاه و نهادهای جامعه یا ناهماهنگی سازمانی)، باید تلاش در جهت تقویت دیدگاهی باشد که ارتباط بین دانشگاه، صنعت و حکومت (رشته سه‌گانه) را مطرح می‌سازد.

۳. با توجه به اهمیتی که پژوهش در دانشگاهها دارد و همچنین، موانعی که بر سر راه انجام یافتن پژوهش در دانشگاهها وجود دارد، دومین چالش اجتماع علمی دانشگاه از نظر دانشجویان و سومین چالش از نظر استادان، چالش پژوهشی است و از این رو، ضرورت دارد موانع اداری، مالی و غیره پیش‌روی پژوهشهای درون‌دانشگاهی و تحقیقات صنعتی و... خارج از دانشگاه برداشته شود. در این خصوص، به نظر می‌رسد که یکی از راه‌ها ایجاد مراکز پژوهشی مشترک تخصصی بین دانشگاه و دستگاههای اجرایی با حمایت مالی دستگاههای اجرایی و مشارکت علمی اعضای هیئت علمی دانشگاهها باشد.

۴. دانشگاه در جامعه اسلامی مسئولیت سنگین تمدن‌سازی و تربیت انسانهای متعهد و متخصص و همچنین، تولید علم و فناوری را برای رفع نیازهای جامعه اسلامی بر عهده دارد. بنابر این، شایسته نیست روح حاکم بر این نهاد فرهنگی و تمدن‌ساز، حداقل در دانشگاههای دولتی، نگاهی تجاری و کمی‌گرایانه باشد، بلکه بر عکس باید توجه بیشتری به کیفیتها شود و دانشگاهها برای تولید محصولات مادی و غیرمادی با کیفیت مورد نیاز جامعه باید مورد حمایت مادی و معنوی قرار گیرند.

۵. یکی از مهم‌ترین چالش دانشگاه از نظر دانشجویان کارشناسی‌ارشد و اعضای هیئت علمی، چالش سیاست‌زدگی با میانگین ۳۸۵ از ۵ بود. سیاست‌زدگی دانشگاهها آفتی است که ممکن است این اجتماع را تهدید کند. دانشگاه ذاتاً نیاز به آرامش و ثبات و استقلال نسبی دارد، ولی گروههای سیاسی ممکن است به‌دنبال ماجراجویی و کسب قدرت باشند. شایسته است تربیتی اتخاذ شود که ضمن حفظ استقلال دانشگاه به‌عنوان یک نهاد تخصصی با کارکردهای ویژه علمی و پژوهشی، از سیاست‌زدگی آن جلوگیری شود. بدیهی است دانشگاه نباید از جامعه و سیاست به دور باشد، اما از آن طرف هم نباید دچار سیاست‌زدگی شود. از این رو، به نظر می‌رسد پاسخگویان بیشتر نگران افراط‌گرایی هستند که ممکن است دانشگاه را از رسالت‌های واقعی آن در قبال جامعه دور کند. از سوی دیگر، معنای درست سیاسی برای دانشگاه آن است که تمام ارکانش در خدمت نظام اسلامی باشد و در این خصوص، تمام توان خود را برای تولید علوم و دانشهایی به‌کار گیرند که زنجیرهای وابستگی نظام اسلامی را از نظامهای استکباری بگسلند.

۶. برخلاف انتظار معمول، نتایج تحقیق نشان می‌دهد که کنشگران حوزه دانش علمی نگران کاهش یا فروپاشی سرمایه اجتماعی در اجتماع علمی دانشگاه هستند. انتظار می‌رود شاخصهای سرمایه اجتماعی

مانند اعتماد اجتماعی، روابط اجتماعی، همکاری اجتماعی و غیره در اجتماع‌های علمی بالا باشد و کاشگران حوزه علم از این زمینه برای توسعه علم و پاسخ به نیازهای جامعه استفاده کنند. شاید چالش‌های قبلی مانند ناهماهنگی کارکردی بین دانشگاه و سایر نهادهای اجتماعی و سیاسی شدن دانشگاه‌ها عاملی باشد که سرمایه اجتماعی در دانشگاه‌ها را متأثر سازد. بنابراین، لازم است تدابیر لازم برای ارتقای سرمایه اجتماعی در دانشگاه‌ها مانند تشویق کارهای گروهی صورت پذیرد.

۷. یافته‌های به‌دست آمده از سلسله مراتب چالش‌های دانشگاه‌ها نشان داد که چالش آموزش بعد از چالش‌های ناهماهنگی کارکردی، پژوهش و تجاری شدن در رتبه چهارم قرار دارد. این واقعیت بیان می‌کند که وضعیت آموزش چندان راضی‌کننده نیست و لذا، شایسته است تمهیداتی برای ارتقای کیفیت آموزش در دانشگاه‌های دولتی فراهم شود، مانند کاهش ظرفیت پذیرش دانشجو در دوره‌های کارشناسی، کاهش ساعات موظف و غیر موظف تدریس استادان، جذب استادان جدید و بیشتر، افزایش فرصت‌های مطالعاتی در طول خدمت و غیره.

References

1. Arasteh, Hamidreza, Sobhaninejad, Mehdi and Homaie, Reza (2009); "State Universities in Tehran in the Era of Globalization from the Perspective of Students"; *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, Vol. 14, No. 4, pp. 47-66 (in Persian).
2. Azad Armaki, Tagi (2008); *Sociological Society in Iran*; Tehran: Kalameh Institute (in Persian).
3. Azizi, Nematollah (2008); "Examine the Challenges and Failures in the Field of Humanities Education: Reflections on the Students' Opinion"; *Journal of Higher Education in Iran*, P. 31 (in Persian).
4. Blum, Stuart S. (1944); *Perspectives in the Sociology of Science*; John Wiley and Sons.
5. Boor Cabal, Alfonse (2004); "Evolution and Philosophy of the University as an Institution"; Translation Fazel Larijani, *Journal of Pzhvvh*, Vol. 5, P. 73 (in Persian).
6. Collins, J. (2000); *The Sociology of Philosophies*; The Belknap Press of Harvard University Press.

7. Dabbagh, Rahim and Baradaran Shoraca, Hamid Reza (2009); "Study Performance and Productivity and four Public Comprehensive Universities in Iran"; *Inapposite*, pp. 1-33 (in Persian).
8. Degree, Gerard (1968); *Science as a Social Institution*; Rondon House.
9. Dickinson, John P. (1994); *The Provision of a Permanent Job in Scientific Research*; Vol. 7.
10. Ebrahimi, Gorban Ali (1992); *Scientific Community and its Relationship with the Scientific Development*; MA Thesis, University of Tehran (in Persian).
11. Ebrahimi, Gorban Ali (1994); "Scientific Community, its Structure and Norms"; *Journal of Science Policy and Research*, No. 5 (in Persian).
12. Esmail Bidhindi, Zahra (1998); *A Study Factors Affecting the Quality of Higher Education*, MA Thesis, University of Azahra (in Persian).
13. Fazeli, Nematollah (2003); "A Comparative Study of the Causes of Teaching in Competency: The Case of Iran and Great Britain"; *The Letter of Anthropology* (in Persian).
14. Frankfurd, Chava and Nchmyas, David (2002); *Research Methods in Social Sciences*; Translation, Larijani, Fazel and Fazeli, Reza, Tehran: Soroush Publications (in Persian).
15. Ghaneie Rad, Mohammad Amin (2006); "Interactions Involved University Students and Professors in the Development of Social Capital"; *Iranian Journal of Sociology*, Vol. 1, pp. 3-29 (in Persian).
16. Ghaneie Rad, Mohammad Amin (2006); "The Scientific Community in the Social Sciences"; *The Letter of Social Sciences*, Vol. 27, pp. 27-55 (in Persian).
17. Ghaneie Rad, Mohammad Amin (2006); *Interaction and Communication in the Scientific Community*; Tehran: Institute for Social and Cultural Studies (in Persian).
18. Ghaneie Rad, Mohammad Amin and Ghazipoor, Farideh (2002); "Normative and Institutional Factors Affecting the Productivity of

- Faculty Productivity”; *Journal of Cultural Studies*, pp. 167-206 (in Persian).
19. Ghaneie Rad, Mohammad Amin, Khosrokhavar, Farhad and Tolo, Abolgasem (2008); “Factors, Motivation and Challenges of Knowledge among the Scientific Elite”; *Journal of Science and Technology Policy*, pp. 71-85 (in Persian).
20. Hagstrom, W. Q. (1975); *The Scientific Community*; London and Amsterdam: Fefer and Simon, Inc.
21. Hejazi, Mirjalil (1995); *Study Factors Affecting the Quality of Higher Education and Suggestions on its Improvement*; Sahid Beheshti University Press (in Persian).
22. Hessen, B. (1931); *The Social and Economic Roots of Newton Principia*; Science at the Crossroads, London: Kniga.
23. Imam Khomeini (1992); *Saefeye Noor*; Vol. 7 (in Persian).
24. Jafari, Zinolabedin (2007); A Study Students Join in New Religious Movements, MA Thesis, University of Mazandaran (in Persian).
25. Kazemi, Abdolhossin (2008); “Measurement Problems in the Country's Scientific Products”; *Journal of Health Information Management*, pp. 175-178 (in Persian).
26. Khosrokhavar, Farhad (2006); *Philosophy of Science Conference*; Tehran (in Persian).
27. Madhoshi, Mehrdad and Nyazi, Esa (2010); “Review and Explain the World of Higher Education in Iran”; *Journal of Higher Education*, pp. 113-149 (in Persian).
28. Masnavi, A., Samaram, E., Hosseini, S.A., Aghabakhshi, H., Foroughan, M., Sadrolsadat, S. and Rahgozar, M. (2005); “Iran University of Medical Sciences of the Deviant Behaviors of Students in Residential Accommodation”; *Quarterly Journal of Rehabilitation*, Vol. 6, No. 4, pp. 21-25 (in Persian).

29. Moeedfar, Saeed (2009); "University of Functions"; Speech in the Iranian Sociological Association, Tehran University.
30. Mohseni Tabrizi, Ali Reza (2001); "Social Pathology of Youth: A Study of Value Isolation and Cultural Participation in Academies in Iran"; Institute for of Research and Planning in Higher Education, pp. 119-182 (in Persian).
31. Parkariyan, Sarah (1999); A Study Factors and Suggestions for Improving the Quality of Education at the University of Esfahan; MA Thesis, University of Esfahan (in Persian).
32. Raeisi Jafarabadi, Latif (1997); The Study Factors Affecting the Quality of Postgraduate Training; MA Thesis, University of Allameh Tabatabai (in Persian).
33. Rafipoor, Faramarz (2002); *The Obstacles to Scientific Development in Iran and its Solutions*; Tehran: Enteshar Publication (in Persian).
34. Ramezani, Reza (2002); "Current Problems of Universities and Scientific Development"; *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, Vol. 8, No. 3, pp. 37-62 (in Persian).
35. Ritzer, George (2005); *In the Contemporary Sociological Theory*; Translated by Mohsen Salasi, Tehran; Scientific Publishing (in Persian).
36. Salehi Amiri, Seyed Reza (1992); *Total Articles of Iran Social Challenges*; Tehran: Institute for Strategic Studies (in Persian).
37. Salehi Omran, E. and Ghanavati, Leila (2010); "Study Load Instructional Faculty Mazandaran University"; *Studies Psychotherapist*, Vol. 11, No. 2, pp. 5-28 (in Persian).
38. Serajzadeh, Seyed Hossein and Feizi, Iraj (2007); "Drugs and Alcohol among Students in Public Universities"; *Journal Social Refah*, Vol. 25, pp. 85-110 (in Persian)
39. Serajzadeh, Seyed Hossein and Babaei, Mina (2009); "Violation of the Formal and Traditional Norms and the Implications of Resistance: Review of a Sample of Students"; *The Nameh from Social Sciences*, Vol. 77, pp. 153-178 (in Persian).

40. Serajzadeh, Seyed Hossein and Javaheri, Fatemeh (2003); "Students' Attitudes and Behaviors, Tehran, Studies and Social and Cultural Planning Office"; Ministry of Science and Technology Research (in Persian).
41. Soleimani, Mohammad Reza and Shokoey, Ali (1999); "Study Factors Influencing the Scientific Faculty of Islamic Azad University (Area 8)"; *Journal Knowledge and Research in Educational Sciences*, Azad University Khorasgan, pp. 119-146 (in Persian).
42. Tavakol, Mohammad (1990); *Sociology of Science*; Tehran: Nase Scientific and Cultural Institution (in Persian).
43. Tohidlou, Akbar (2008); "A Study Cultural Status of the Approaches Islamic Azad University"; Unit Roodehen (in Persian).
44. Vidadhir, Abo Ali (1998); The Study Factors Affecting Compliance with the Norms and Against the Norms of Science Graduate Students from Universities in Iran; MA Thesis, University of Tabriz (in Persian).
45. Zand, Habibullah (1995); "The Scientific Community"; *Journal the Rahbord*, Vol. 8 (in Persian).
46. Zo Alm, Ali (2009); *Reflect on the Challenges*; Available at: www.Zamaneh: info/articies (in Persian).